

The Ghani Collection at Yale

و تمام کجوم رفته بر شمشیر در در شهر و قمر شد جم روز ششم در آن کجوم

از سد مس و جو حرارت سر با محوم از کج محبت حای حای

الحمد لله از فضل اله از زنده عمر مکتد از بنم تا حد اجه چه خواهد خایر

عهد کرده بعم از این معقوله مذاکرات بهی نه نویم ولی باز لازم است

این چه کلمه که عرض کنم

خانم من فرزند محبت قلندر شما کجوم که تمام نصیب به مادر نام است

اما خد ما هشی مکتب از شما در کسر که دیگر از این معقوله چهار

سزار من حرار نسوسد سر را مردان سکه است اله بر زبانم

سکه عظم هم تقدیب دارم

سرور ز بر کرده مردان به تحریر به صاحب مکتب به با عظمی

کار دانی به کار کنی به اقبال فر ما سفر مانی نب او کجی اول

از ایران  
شما هم  
میر

سر شرف و ان خان هم هست مراد از در مملکت مملکت رحمت خدا و نعمت هم مراد  
 و در دربار زن ابی طلق فرموده و فرستادند خوف و حدیث که در  
 خان خان خایر خان مراد از خدا مراد از شاه مراد از وزیر مراد از امر مراد  
 شاه مراد از سکه مراد از این شخص متهم دست کش از خایر خایر زاده است  
 و این خایر خایر زاده نامش کاروانه و نعمت خود بهسد در انصورت است  
 چه بصدق شای است که تمام مملکت که تمام سر و رسم را در حق کسی که  
 بعد از رسیدن لاجب چه کرد که امید بعد از دانسته نامش امکان هم مراد  
 من با این که حوست به نعم بعد از آن همه کارها همس دلیل برین است  
 و او سر شرف او را و مملکتی که همه فتح میجویم که در سر هم ما همس است  
 و الله به الم بر روح مطهر حضرت رسالت تمام است اگر خیر باشد  
 موافق قانون شرع که قدر هر چه فقه بکند دفعه ششم  
 نطفه بدیم تا آنکه اگر ما آنها تا آنکه و از خیر باشد  
 و لا و فرستادند در شرف او مخصوص انکار را بلا کرد  
 که آنها حواس وقت به نفع از این راضی باشد معاذ الله

۱۸۰۰  
۱۸۰۱  
۱۸۰۲  
۱۸۰۳  
۱۸۰۴  
۱۸۰۵  
۱۸۰۶  
۱۸۰۷  
۱۸۰۸  
۱۸۰۹  
۱۸۱۰

کوه ۱۸  
السر تارکین هم ما دو علم صاف بود ما از صلا بودن سردی ما حد  
زین ادله دانسته ما تم خدا است الله انروز منجرت به دید  
که بخاتم زن ان سرد نام او برادر من است در یک صلا حد  
ان من هم انم رست از بد رندر خاطر اولاد حق منجرت است  
کندم محرز صفت او را احوال و عراق و عرب را کستم  
اخر خدا اینست که ان ام انتقام برانند و نما که فتح من  
به ارواح بدست ترا هم مردم به روح شد که انم کا خند  
سرا به او شن نه ده دگر بر اولاد که نام هر وقت موح شد  
صدای سرا خاستن کند و الله به الم عمل کردم دگر طافت  
عصه صد مه انم چه انی چه کند نه دارم والله به الم  
اب کردم مردم دگر می است زنده ماند سر انی کارش  
سراسر است تا باغ منو منس باغ بان هم الا  
که سینه کت به رفشان گذاشتم منجرت بر کرد و الله به الم  
بر کار او کند از جم تا غم هم از کاش همه منجرت ماند



The Ghani Collection at Yale